

تاریخ دریافت: ۸۹/۱/۳۰
تاریخ پذیرش: ۸۹/۳/۲۸

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود
سال چهارم، شماره ۱۳، بهار ۱۳۸۹

راه‌بردها و راه‌کارهای فرهنگی دولت زمینه‌ساز در رویارویی با جنگ نرم

مریم کریمی‌تبار**

چکیده

این نوشتار با تأمل در روایات، وضعیت فرهنگی جهان در عصر ظهور را ترسیم می‌کند و از آن ره‌گذر، به اقدامات اصلاحی امام مهدی (عج) در عرصه فرهنگ و نیز روش امام (عج) در رویارویی با ناهنجاری‌های فرهنگی و ایجاد انقلاب فرهنگی اشاره می‌کند. در ادامه، وضعیت فرهنگی جهان در عصر حاضر و پدیده جنگ نرم بازنگری می‌شود و از کنار هم قرار دادن و مقایسه این دو وضعیت با هم و نیز با الهام از عملکرد و روش امام (عج)، دو راه‌برد اساسی بصیرت‌دهی و معرفت‌بخشی برای مقابله با انواع هجمه‌های فرهنگی دشمنان و نیز راه‌کارهای عملیاتی کردن آنها پیشنهاد شده است که البته اجرای آنها بر عهده دولت زمینه‌ساز خواهد بود.

واژگان کلیدی

دولت، تهاجم، فرهنگ، جنگ نرم، مهندسی فرهنگی، بصیرت، معرفت.

** عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم (m.karimitabar@yahoo.com)

پروردگار حکیم و دانا انسان را برای رسیدن به کمال و سعادت جاودانه آفریده است و لطف و فیض بی‌نهایتش اقتضا داشته که شرایط و مقدمات لازم را برای نیل به این هدف متعالی برای انسان فراهم نماید. از مهم‌ترین این مقدمات، فرستادن رسولان و راهنمایی است که راه سعادت را در مسیر پر پیچ و خم زندگی به بشر نشان دهند و با اقدامات اصلاح‌گرایانه خود جهان را از پلیدی‌ها و انحرافات بپیرایند، لکن ایشان فقط توانستند به صورت نسبی به موفقیت‌هایی دست یابند و ارادة الهی بر این تعلق گرفته است که پاک‌سازی جهان از بدی‌ها و ظلم‌ها و برقراری کامل حق و عدالت به دست منجی موعود^{علیه السلام} انجام شود، هم‌چنان‌که در قرآن نیز به این امر اشاره شده است:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾. (انبیاء: ۱۰۵)

تحقق انقلاب جهانی این نجات‌بخش بزرگ نیز مانند هر نهضت و انقلاب دیگری در صورتی امکان پیروزی و نتیجه‌بخشی دارد که قبلاً در ابعاد مختلف برای آن زمینه‌سازی شود و شرایط برای به ثمر رسیدن آن فراهم گردد. روایات معتبر نیز این مطلب را تأیید می‌کند. پیامبر اسلام^{صلی الله علیه و آله و سلم} فرمود:

یخرج ناس من المشرق فیوطئون للمهدی یعنی سلطانه؛ (ابن‌ماجه، بی‌تا: ج ۲، ۱۳۶۸، ح ۴۰۸۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۱، ۸۷)

مردمی از مشرق زمین قیام می‌کنند و برای [حاکمیت] حضرت مهدی^{علیه السلام} زمینه‌سازی می‌نمایند.

امام علی^{علیه السلام} فرمود:

ثم تخرج [رایة] من خراسان ... یهزمون أصحاب السیفانی حتی ینزل بیت المقدس یوطیء للمهدی سلطانه؛ (ابن‌طاووس، ۱۴۱۶: ۱۱۷)

پرچمی از خراسان (ایران) بیرون می‌آید [حاملان این پرچم] اصحاب سفیانی را شکست می‌دهند تا این‌که به بیت‌المقدس می‌رسند و زمینه حکومت مهدی^{علیه السلام} را فراهم می‌سازند.

روایات مذکور بیان‌گر این مطلب است که تحقق حکومت جهانی منجی، منوط به مقدمه‌چینی و زمینه‌سازی قیام‌کنندگان مشرق و حرکت پرچم‌های خراسان است.

زمینه‌سازی رسالت حاکمیت صالحان

فراهم آوردن مقدمات ظهور تنها وظیفه گروه یا فرد خاصی نیست، بلکه همه دولت‌ها و ملت‌هایی که خواهان برقراری حکومت صالحان در جهان هستند، باید در این زمینه نقش مؤثری

ایفا کنند. لکن در این میان وظیفه دولت‌ها حساس‌تر و مهم‌تر است. مقصود از دولت، جریان سیاسی حاکم بر کشورهاست که تنظیم روابط انسانی و تعاملات اجتماعی را در سطح داخلی و بین‌المللی برعهده دارد. اهمیت نقش دولت‌ها در زمینه‌سازی ظهور از این جهت است که آنها می‌توانند آمادگی پذیرش منجی را در جوامع ایجاد کنند. در این میان دولت‌های اسلامی و شیعی به طور خاص می‌توانند با تبلیغ عملی فرهنگ مهدویت افق آینده حکومت مهدوی را به تصویر بکشند و از این طریق جامعه را پذیرای ظهور مهدی موعود^ع سازند. برای این منظور، دولت‌های اسلامی باید دکترین ظهور را اساس کار خود قرار دهند و به لحاظ مبانی، اهداف، سیاست‌ها، رسالت‌ها و راه‌بردها، با دولت کریمه مهدوی هم‌سو باشند.

بنابراین، ترسیم دولت امام مهدی^ع نباید صرفاً به هدف پیش‌بینی و الگوسازی برای آینده باشد؛ بلکه باید کوشید که آن را مدل و الگوی زندگی امروزی قرار داد تا از آن برای رفع کاستی‌ها و نابسامانی‌های جوامع در تمامی عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، علمی و... الگوبرداری شود. عرصه فرهنگی از عرصه‌های مهم برای فعالیت دولت است، مفهوم واژه «فرهنگ» از مفاهیم بسیار پیچیده است که تعاریف بسیاری برای آن بیان شده است. در این مقاله مقصود از فرهنگ «مجموعه باورها، بینش‌ها، ارزش‌ها، آداب و رسوم، اخلاق و اندیشه‌های پذیرفته شده و حاکم بر یک جامعه» است که افکار، احساسات و رفتار جمعی افراد را شکل می‌دهد. دولت زمینه‌ساز باید در عرصه فرهنگی نیز هم‌چون سایر عرصه‌ها، دکترین ظهور را ملاک و اساس کار خود قرار دهد. برای رسیدن به این نکته باید وضعیت فرهنگی جوامع در دوران ظهور، اقدامات اصلاحی امام در این زمینه و چگونگی مواجهه امام با ناهنجاری‌های فرهنگی را مطالعه عمیق کرد تا از رهگذر این مطالعه و بررسی، خط و مشی فعالیت‌های فرهنگی دولت زمینه‌ساز روشن گردد.

چشم‌اندازی به وضعیت فرهنگی جهان در عصر ظهور

بدون تردید انقلاب جهانی حضرت مهدی^ع فقط دارای ابعاد سیاسی، نظامی و اجتماعی نخواهد بود، بلکه بر اساس روایات تحولات فرهنگی مهم‌ترین بُعد آن است. در نظام مهدوی تطور و دگرگونی عمیقی در عرصه فرهنگ حاصل خواهد شد و تعمیق «فرهنگ دینی» در رأس برنامه‌های دولت قرار خواهد گرفت. کارویژه اصلی دولت امام^ع تأمین کمال مطلوب انسانی و رشد و بالندگی فرهنگ بشری در تمامی ابعاد است. شکل و سرشت دولت مهدی^ع همان صورت و سرشت دولت پیامبر^ص و امام علی^ع است، همان‌گونه که رسول خدا^ص جامعه مرده را زنده کرد، حضرت ولی عصر^ع نیز جهان مرده را زنده می‌کند و برای احیای آن، معارف و حقایق حقیقی را اعطا می‌فرماید. دولت مهدی^ع نمونه کامل دولت نبوی و علوی و استمرار روش و منش و احیای آموزه‌ها و قوانین آنهاست. امام علی^ع می‌فرماید:

واعلموا أنكم إن اتبعتم طالع المشرق سلك بكم منهاج الرسول ﷺ فتداوitem من العمى والصمم والبكم...؛ (مجلسی، همان، ۱۲۳)

بدانید اگر شما از طلوع کننده مشرق پیروی کنید، او شما را به راه و روش پیامبر راهنمایی می کند و از بیماری کوری و کری و گنگی نجات می دهد.

بدیهی است که منظور درمان کوری و کری و گنگی ظاهری نیست، بلکه تداوی روحی منظور است؛ یعنی چشم و گوش و زبان روح گشوده می شود و روش درست زندگی و مسئولیت ها و تعهدات فردی و اجتماعی شناسانده و راه از بی راهه مشخص می گردد و انسان ها در همه مسائل زندگی متعهد و تکلیف شناس خواهند شد. (حکیمی، ۱۳۷۴: ۲۰۷ - ۲۰۸)

در این راستا کارکرد دولت مهدوی را می توان در سه محور مورد بررسی قرار داد:

۱. رشد عقل و اندیشه و تکامل علم

در پرتو ارشاد و هدایت امام مهدی ﷺ افکار و استعدادها در مسیر کمال به حرکت درمی آیند، اندیشه ها شکوفا می گردند و مردمی بلندنظر با افکاری باز و بینشی وسیع پرورش می یابند که بسیاری از مشکلات اجتماعی را حل می کنند و جهانی را آباد و متکامل می سازند. بشر در دوران ظهور، به مرز نهایی شناخت و خردمندی دست می یابد. در روایت زیبایی از امام باقر علیه السلام نقل شده است:

إذا قام قائمنا وضع يده على رءوس العباد فجمع به عقولهم و كملت به أحلامهم...

: (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ۲۵؛ حر عاملی، بی تا: ج ۳، ۴۹۵)

وقتی قائم ما قیام کند دست عنایتش را بر سر بندگان می نهد و بدین وسیله عقل آنها زیاد می شود و فهمشان کامل می گردد.

هم چنین در دولت امام مهدی ﷺ دانش و علم نیز به حد نهایی خود می رسد؛ حضرت از حقایق مادی و معنوی جهان پرده برمی دارد و مجهولات و نادانسته ها را برای همگان روشن می سازد. در نتیجه گسترش شناخت و دانایی تکامل علوم مادی، پایه های خداشناسی، حق باوری و کمال گرایی استوار می گردد و جامعه ای پیشرفته و سامان یافته تشکیل می شود. روایات، جهان را در روزگار امام عصر علیه السلام جهانی متمدن و در اوج قدرت و پیشرفت علمی معرفی می کند، چنان که رسول گرامی اسلام ﷺ می فرماید:

يملاً الله عزوجلّ به الأرض نوراً بعد ظلمتها و عدلاً بعد جورها و علماً بعد جهلها؛

(صدوق، بی تا: ج ۱، ۲۶۰؛ طبرسی، ۱۴۱۷: ج ۲، ۱۸۵)

خدای عزوجلّ به وسیله او (قائم) زمین را پس از تاریکی، از نور آکنده می سازد و پس از ستم، از داد پر می کند و پس از جهل و نادانی، از دانش آکنده می سازد.



تفاوت بنیادین پیش‌رفت علم در دوران حکومت مهدی علیه السلام با عصر کنونی در این است که در این زمان پیش‌رفت علم و صنعت در جهت سقوط فرهنگ و اخلاق جامعه بشری است، ولی در روزگار مهدی علیه السلام بشر در عین این‌که به بالاترین رشد علمی و صنعتی می‌رسد به همان اندازه به تعالی اخلاقی و کمال انسانی نزدیک‌تر می‌گردد و علم و صنعت و تمدن را برای معرفت خدا، پرورش فضایل اخلاقی و رسیدن به هدف آفرینش خود (عبودیت و عبادت) به کار می‌برد. (کارگر، ۱۳۸۳: ۳۳۳)

بنابراین، رساندن افکار، عقول و دانش بشری به اوج تکامل از مهم‌ترین برنامه‌های فرهنگی حکومت مهدوی است. او با هدایت بشر به دانش‌های یقینی و گسترش معرفت و دانایی، پایه‌های خداشناسی را استوار می‌کند و جامعه‌ای آرمانی را سامان می‌دهد.

۲. رشد معرفت دینی و بدعت‌ستیزی

تردیدی نیست که دگرگونی‌هایی در مفاهیم قرآنی و آموزه‌های اسلامی در طول سال‌های متمادی غیبت امام عصر علیه السلام رخ داده است و انگیزه‌ها و عوامل گوناگون ضد اسلامی، افکار انحرافی و منافع قدرت‌های سیاسی و... در این امر نقش داشته‌اند. البته جریان خودرأیی (تفسیر به رأی) در مورد قرآن و احکام الهی مخصوص دوران خاصی نیست، بلکه از زمان رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله آغاز شد و حکومت‌گران بخشی از تعالیم قرآنی و نبوی را برای استقرار حاکمیت خویش دگروار و واژگونه تفسیر کردند. بدین ترتیب، باب تفسیر به رأی و برداشت‌های نادرست از تعالیم وحی گشوده شد و هم‌چنان ادامه یافت و در طول قرن‌های متمادی در ذهن جامعه اسلامی رسوخ و نفوذ کرد تا جایی که در بسیاری از تعالیم وحی، اصل دین و احکام سره اسلام ناشناخته ماند و تفسیرها و برداشت‌های غلط و ضددینی به نام دین جای گرفت و باور گشت. این مسئله در زمان ظهور مفسر واقعی قرآن مسئله‌ای جدی و چالش‌برانگیز است. لذا اصلاح و تبیین معارف دینی، احیای کتاب و سنت، بدعت‌ستیزی و تحریف‌زدایی از دین، از اقدامات مهم و بایسته دولت مهدوی است. امام تمامی اندیشه‌ها و ادیان غیرتوحیدی و انحرافی را از بین می‌برد، بطلان و پوچی افکار و آرای الحادی، فریب‌کارانه و دنیاگرایانه را برای مردم آشکار می‌گرداند، قانون خدا (قرآن) را تنها مبنای قوانین قرار می‌دهد و با تبیین و تفسیر صحیح، دین خدا را احیا می‌کند. او نظام جهان را بر اساس معارف ناب و حقیقی اسلام سامان می‌دهد و تکالیف فراموش شده را برای مردم بیان می‌کند، آن‌چنان‌که پنداشته می‌شود حضرت، کتاب تازه و آیین جدید آورده است. این مطلب در روایات چنین بیان شده است:

إذا قام القائم علیه السلام جاءَ بأمرٍ جديدٍ كما دعا رسول الله صلی الله علیه و آله بدو الإسلام إلى أمر

جدید؛ (مفید، ۱۴۱۴: ج ۲، ۳۸۴؛ اربلی، ۱۳۸۱: ج ۲، ۴۶۵)

هنگامی که قائم علیه السلام قیام می کند با امر جدیدی می آید، چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله در آغاز اسلام به امری جدید دعوت کرد.

همچنین می فرماید:

إذا خرج [القائم] يقوم بأمر جديد و كتاب جديد و سنة جديدة و قضاء جديد... ؛
(نعمانی، ۱۴۲۲: ۲۳۸؛ حر عاملی، بی تا: ج ۳، ۵۴۰)
هنگامی که قائم خروج می کند، امر تازه، کتاب تازه، روش تازه و داوری تازه‌ای را برپا می کند... .

در روایتی دیگر آمده است:

لا يترك بدعة إلا أزالها و لا سنة إلا أقامها؛ (حر عاملی، ۱۴۱۴: ج ۲۵، ۴۳۶؛ مفید، ۱۴۱۴: ج ۲، ۳۸۵)
هیچ بدعتی نمی ماند، مگر آن که آن را از بین می برد و هیچ سنتی نمی ماند، مگر این که آن را به پا می دارد.

بنابراین، ارتقای سطح معارف دینی و شناساندن بیش تر و بهتر احکام و حقایق راستین دین، از دیگر برنامه‌های فرهنگی - تبلیغی امام مهدی علیه السلام به شمار می رود.

۳. رشد تربیتی و تعالی اخلاقی و معنوی انسان‌ها

امام معصوم علیه السلام دارای ولایت‌ها و مسئولیت‌های مختلفی است، از جمله ولایت تشریحی، ولایت قضا، ولایت اجرای احکام و حدود، ولایت اطاعت و فرمان‌بری، ولایت نظارت در شئون اجتماعی، ولایت سیاسی و ولایت هدایت و نفوذ و پرورش معنوی و ولایت تکوینی. (کارگر، همان، ۲۲۴ - ۲۲۵) امام بر اساس ولایت هدایت و نفوذ و پرورش معنوی، به تزکیه نفس، پرورش قلوب و تربیت روحی انسان‌ها می پردازد و تغییر و تکامل در رفتارها و باورهای انسان‌ها را در اولویت برنامه‌های فرهنگی خود قرار می دهد و همه کاستی‌های اخلاقی و معنوی را از بین می برد. بنابراین، کارویژه بنیادین و کمال‌گرایانه زعامت و حکومت حضرت مهدی علیه السلام برنامه‌ریزی صحیح و تلاش برای تربیت دینی و معنوی جامعه و بالندگی فضایل و گسترش تقواست. البته توجه به اموری مانند برقراری عدالت اجتماعی، تأمین بهداشت، آموزش، امنیت و... جایگاه خود را دارد. حضرت جامعه را به سوی تأمین سعادت پایا و فناپذیر رهبری می کند و عوامل سقوط شخصیت حقیقی آدمی و موانع رشد و کمال انسانیت را برطرف می گرداند.

قرآن مجید در ترسیم سیمای معنوی حکومت صالحان که وعده تحقق آن به دست مهدی موعود علیه السلام داده شده است، می فرماید:

«الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»؛ (حج: ۴۱)

همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و به کارهای پسندیده وامی‌دارند، و از کارهای ناپسند باز می‌دارند، و فرجام همه کارها از آن خداست.

این آیه در بعضی تفسیرها به امام مهدی علیه السلام و یاران ایشان تأویل شده است. (قمی، ۱۳۸۷: ج ۲، ۷۸؛ مجلسی، همان: ۴۷) در روایات متعدد نیز به اهمیت و محوریت اخلاق و رشد معنوی و تربیتی انسان‌ها در دولت مهدوی اشاره شده است. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

... ان يصلح الامة بعد فسادها؛ (اربلی، همان: ج ۲، ۴۷۳)

او این امت را پس از آن که تباه و فاسد شده‌اند اصلاح می‌کند.

براساس این روایت اصلاح مردم بعد از فساد اخلاق آنان و تغییر بنیادین در رفتارها، گفتارها و پندارهای غیراخلاقی، مهم‌ترین و درخشان‌ترین اقدام دولت امام مهدی علیه السلام خواهد بود و این احیای و اصلاح، مطلق و فراگیر است و پس از آن فساد و انحرافی وجود نخواهد داشت و زمین نورانی و پر از معنویت خواهد شد. امام صادق علیه السلام فرمود:

إِن قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَ اسْتَغْنَى النَّاسُ (العباد)؛ (طوسی، ۱۴۱۱: ۴۶۸؛ مجلسی، همان: ج ۵۲، ۳۳۰)

و چون قائم ما، قیام کند زمین به نور پروردگارش روشن می‌گردد و مردم بی‌نیاز می‌شوند.

این روایات به خوبی نشان می‌دهد که از اقدامات اساسی حضرت مهدی برنامه‌های اخلاقی، تربیتی و رساندن بشر به کمال معنوی و روحی است.

دورنمایی از اقدامات اصلاحی امام در عرصه فرهنگ به صورت مختصر بیان گردید. حال باید دید امام مهدی علیه السلام برای اجرای این تحولات از چه روش‌هایی بهره خواهد جست و از چه راه‌هایی به آشفته‌گی‌های فرهنگی جهان سامان خواهد داد.

سیره و روش امام مهدی علیه السلام در اصلاحات فرهنگی

تحولات فرهنگی نخست باید از درون انسان آغاز گردد و در حوزه وجودی او صورت پذیرد و سپس به برون جامعه سرایت کند. بر این اساس، امام ابتدا به سیرت و فطرت انسان‌ها توجه می‌کند و با ولایت تکوینی خود و هدایت‌ها و ارشادات فراوان چشم بصیرت مردم را باز می‌کند و در درون انسان‌ها تحولی بنیادین به وجود می‌آورد تا جایی که انسان‌ها حیاتشان را در هدایت و کمال و مرگشان را در هوا و هوس و انحرافات فکری و اخلاقی می‌بینند. بنابراین، روی کرد

اصلی امام در به ثمر رساندن انقلاب فرهنگی، ایجاد تحول بنیادین در درون افراد جامعه است. از این رو، اگر میزان فهم و بصیرت تک تک افراد جامعه افزایش یابد، حق و باطل، ارزش و ضد ارزش و اخلاق و ضد اخلاق رخ می نماید و فرد آگاه و بصیر در دام انحرافات و ناهنجاری های فکری و عملی گرفتار نمی شود. امام علیه السلام برای اجرای این طرح از روش های زیر بهره می جوید:

۱. ابطال تفسیرها و برداشت های نادرست از دین و تبیین صحیح آیات قرآن و احکام اسلام

امام علیه السلام برای حذف برداشت های نادرستی که به نام دین به اذهان القا شده و موجب ایجاد شبهات فکری و انحرافات دینی گردیده است، ابتدا به ابطال آن تفسیرها و تأویل ها می پردازد و همه پیرایه ها را از چهره حقیقی اسلام می زداید، سپس با تفسیر صحیح و خالص قرآن و تعالیم و حیانی، اسلام ناب محمدی و علوی را به مردم آموزش می دهد. احادیثی که درباره امام موعود علیه السلام رسیده و از آیین جدید، کتاب جدید و تعالیم جدید سخن گفته، ناظر به همین مطلب است.

۲. استفاده از منطق و برهان

امام علیه السلام از طریق رهبری فکری و روشن گری در همه زمینه ها، به ترویج و تبلیغ دین اسلام می پردازد. امر به معروف و نهی از منکر، ارشاد و هدایت، پاسخ گویی به شبهات با تکیه بر برهان و بهره گیری از منطق گفت و گو و ارشاد، از بارزترین شاخصه های دولت مهدوی به شمار می رود. بدیهی است که اگر تعالیم اسلامی با منطق صحیح و استدلال عقلی بیان گردد، نافذ و فراگیر خواهد شد تا جایی که هر کسی که کمترین آمادگی برای پذیرش آیین حق را داشته باشد متحول می گردد و در مسیر سعادت و کمال قرار می گیرد. اما در برخورد با گروهی که جز از طریق توسل به زور و خشونت اصلاح پذیر نیستند، با قدرت و شدت برخورد می کند؛ چرا که رسالت امام تنها روشن گری و ارائه راه نیست، بلکه علاوه بر آن، باید انقلاب تکاملی اسلام را به مطلوب برساند. لذا سخت گیری و جنگ در مرحله بعد از تبلیغ و روشن گری قرار دارد. در روایتی از فضیل بن زبیر نقل شده است:

... امام مهدی علیه السلام، حجت را بر همه مردم تمام می کند تا کسی را بر او حجتی نباشد. (مجلسی، همان: ج ۵۱، ۳۵)

۳. قاطعیت و سازش ناپذیری

حضرت مهدی علیه السلام در قاطعیت و شجاعت همانند رسول خداست. در روایتی آمده است:

یصنع كما صنع رسول الله صلی الله علیه و آله یهدم ما كان قبله كما هدم رسول الله صلی الله علیه و آله أمر الجاهلیة... ؛ (مجلسی، همان: ج ۵۲، ۳۵۲)

همان‌طور که رسول خدا ﷺ عمل کرد، عمل می‌کند. آن‌چه را پیش از او بوده (سنت‌های غلط و انحرافی) نابود می‌کند، چنان‌که رسول خدا ﷺ جاهلیت را از بین برد.

قاطعیت، خصلت همه رهبران راستین الهی است و در امام مهدی ﷺ این خصلت در حد اوج و کمال است. اساساً معیار پاک‌سازی جوامع از پلیدی و فساد همین قاطعیت است. تجربه نشان داده که سازش، ارفاق و مسامحه همواره موجب شده که پس از گذشت اندک‌زمانی عوامل کثری و نادرستی دوباره سازمان می‌یابند و وارد عمل می‌گردند. امام این واقعیت را نادیده نمی‌گیرد. لذا برای از ریشه نابود کردن همه عوامل فساد و جریان‌های فاسد، هیچ‌گونه مسامحه‌ای در راه و روش نمی‌کند و تبلیغات دشمنان داخلی و خارجی و تکفیرهای داخلی و ارتجاعی در او هیچ تأثیری نمی‌گذارد و او را به مصلحت‌سنجی مجبور نمی‌سازد. این روش در عین دشواری‌های فراوانی که همراه دارد، از جهتی نیز کارها را آسان می‌کند؛ زیرا آنان که اندیشه رخنه کردن در صفوف نهضت و انقلاب جدید را در سر می‌پروراندند و شیوه فتنه‌گری را در پیش می‌گیرند، هنگامی که با قاطعیتی خلل‌ناپذیر روبه‌رو می‌گردند و راهی برای نیرنگ بازی در مقابل خود نمی‌بینند، دست از انحراف برمی‌دارند و از هرگونه حرکت‌های مخفیانه و کارشکنی‌های پنهانی و سرمایه‌گذاری‌های مرموز دست می‌شویند. (حکیمی، همان: ۷۷ - ۷۸)

بنابراین، امام برای اصلاح جامعه با قاطعیت تمام در برابر هرگونه فساد و انحراف می‌ایستد و علل و عوامل آن را نابود می‌کند. امام علی علیه السلام در این زمینه می‌فرماید:

لَا يَقِيمُ أَمْرَ اللَّهِ سَبْحَانَهُ إِلَّا مَنْ لَا يُصَانِعُ وَلَا يُضَارِعُ وَلَا تَتَّبِعُ الْمَطَامِعَ؛ (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۱۰)

فرمان خدا را برپا ندارد، مگر کسی که سازش کار نباشد و با روش اهل باطل هم‌سو نشود و دل در گرو طمع نداشته باشد.

ناگفته نماند که اقتدار عام و فراگیر و وضع مقررات و قوانین آمرانه از شاخصه‌های اساسی دولت‌هاست؛ یعنی دولت باید از قدرت تأیید شده به منظور تصمیم‌گیری‌های الزام‌آور و صدور فرمان‌های الزامی برخوردار باشد و این مسئله با اقتدارگرایی و خشونت تفاوت اساسی دارد. (کارگر، همان: ۱۸۹)

۴. عدم خشونت و اقتدارگرایی

با روایات و قراین مختلف ثابت می‌شود که روش حضرت مهدی علیه السلام روش پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است. (صدوق، همان: ج ۲، ۳۵۱؛ مجلسی، همان: ج ۵۱، ۲۲۴) بر این اساس، روایاتی که سیره آن حضرت را مخالف با سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امام علی علیه السلام قلمداد می‌کند، معارض با احادیث صحیح و معتبری است که بر مفهوم مقابل آن دلالت دارد. این احادیث به صراحت، گویای این مطلب

است که روش حکومتی حضرت ولی عصر علیه السلام همانند روش حکومتی رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان علیه السلام است. امام باقر علیه السلام فرموده است:

... یهدم ما قبله کما صنع رسول الله صلی الله علیه و آله و یستأنف الإسلام جدیداً؛ (نعمانی، ۱۴۲۲:

۲۳۳؛ مجلسی، همان: ج ۵۳، ۳۵۴)

... همان طور که رسول خدا صلی الله علیه و آله پس بعثت تمامی آن چیزهای قبلی را بی اعتبار اعلام کرد، مهدی علیه السلام نیز چنین خواهد کرد. او اسلام واقعی را دوباره برپا خواهد نمود.

در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است:

التَّاسِعُ مِنْهُمْ قَائِمٌ أَهْلُ بَيْتِي وَ مَهْدِيَّ أُمَّتِي، أَشْبَهَ النَّاسَ بِي فِي شَمَائِلِهِ وَ أَقْوَالِهِ وَ

أَفْعَالِهِ؛ (اربلی، همان: ج ۲، ۵۱۰)

نهمین از آنها قائم اهل بیت و مهدی امت من و شبیه ترین فرد به من از لحاظ ظاهر، سخنان و اعمال است.

لذا با توجه به این که حکومت پیامبر صلی الله علیه و آله بر پایه خشونت و متکی به سلاح و زور نبود، دولت مهدوی نیز مبتنی بر قدرت فیزیکی و اقتدارگرایی نخواهد بود، هرچند هم چون رسول خدا صلی الله علیه و آله در مواقع مقتضی و لازم، جنگ و سلاح نیز به کار خواهد آمد. در نتیجه، دولت امام دولتی ضعیف و انعطاف پذیر و مسامحه کار نیست، بلکه از اقتدار و نفوذی کامل و قاطعیتی بی نظیر برخوردار است. رابطه امام با مردم، صمیمانه و همراه با ملاحظت و نرمی و ولایت مدارانه است، اما در برابر سردمداران کفر و فساد سازش ناپذیر و سخت گیر است. به عبارت دیگر، اقدامات اصلاحی امام قاطعانه و جدی است، با وجود این که مبتنی بر جنگ و خشونت نیست و تا زمانی که راهی به جز جنگ وجود داشته باشد، امام دست به شمشیر نخواهد شد. از این رو، دولت امام، ظلم ستیز، کفر ستیز، ضد فساد و ضد خشونت است. این مطلب در روایتی بیان شده است:

... الْقَائِمُ علیه السلام إِذَا خَرَجَ بِالْيَهُودِ وَ النَّصَارَى وَ الصَّابِئِينَ وَ الزَّنَادِقَةَ وَ أَهْلَ الرِّدَّةِ وَ

الْكُفَّارِ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَ غَرْبِهَا فَعَرَضَ عَلَيْهِمُ الْإِسْلَامَ فَمَنْ أَسْلَمَ طَوْعاً أَمَرَهُ

بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ مَا يُؤْمَرُ بِهِ الْمُسْلِمُ وَ يَجِبُ لِلَّهِ عَلَيْهِ وَ مَنْ لَمْ يُسْلِمْ ضَرَبَ عُنُقَهُ

حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْمَشَارِقِ وَ الْمَغَارِبِ أَحَدٌ إِلَّا وَحَدَّ اللَّهُ...؛ (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ۱۸۳؛

مجلسی، همان: ج ۵۲، ۳۴۰)

هنگامی که قائم خروج می کند، اسلام را بر یهود، مسیحیان، صائبان، بی دینان، مرتدان و کافران در شرق و غرب زمین عرضه می دارد. پس اگر کسی با علاقه اسلام آورد، او را به نماز و زکات و آنچه در اسلام هست و خداوند آن را واجب کرده، امر می کند. اما اگر مسلمان نشد، گردن او را می زند تا این که در دنیا کسی نباشد که خدا را به وحدانیت نشناسد.

این سخت‌گیری در برابر افرادی است که به‌رغم ارشادات و راهنمایی‌های حضرت مهدی علیه السلام دست از لجابت و دشمنی برنمی‌دارند و برای جامعه دینی خطرناک هستند. (کارگر، همان: ۳۲۷)

۵. الگو بودن مسئولان در دولت امام

کارآمدترین روش در تعلیم و تربیت انسان‌ها و ارتقای سطح فرهنگ جامعه، عامل بودن مربی به گفته‌های خود است. رمز توفیق انبیا و امامان معصوم علیهم السلام در امر تبلیغ دین، شیوه رفتاری آن بزرگواران بوده است. رفتار و حرکات امام مهدی علیه السلام نیز بالاترین آموزش و تعلیم عملی معارف قرآن و اهل‌بیت علیهم السلام به شمار می‌رود؛ زیرا وجود امام علیه السلام جلوه تمام‌عیار دستوره‌های الهی است. امام رضا علیه السلام در مورد ویژگی‌های امام زمان علیه السلام می‌فرماید:

امام داناترین، حکیم‌ترین، پارساترین، حلیم‌ترین، شجاع‌ترین و بخشنده‌ترین مردم است. او برای مردم از خودشان سزاوارتر، از پدر و مادرشان مهربان‌تر و در برابر خداوند از همه متواضع‌تر است. آن‌چه به مردم فرمان دهد، خود بیش از دیگران به آن عمل می‌کند و خود بیش از همگان از چیزی که نهی می‌کند، می‌پرهیزد. (صدوق، ۱۴۱۳: ج ۴، ۴۱۸)

این ویژگی در کارگزاران و یاران امام نیز که از طرف امام به عنوان حاکم مناطق مختلف اسلامی منصوب می‌شوند وجود دارد؛ چرا که امام کارگزاران خود را از میان یاران صالح و مخلص خود که واجد برترین صفات اخلاقی و فضایل انسانی باشند انتخاب خواهد کرد؛ کسانی که در واقع الگوی عملی دین‌داری و نمونه عینی ارزش‌های الهی و اسلامی هستند و با عمل و رفتار خود همه ارزش‌ها را به مردم خواهند آموخت و اگر برخی مجریان حکومتی در وظایف خود مرتکب خطا یا کردار زشتی گردند یا سخت‌گیری و مؤاخذه امام روبه‌رو خواهند شد، چنان‌که در روایتی از لیث بن طاووس نقل شده:

... المهدی علیه السلام ان یكون شدیداً علی العَمَالِ جواداً بالمال، رحیماً بالمساکین؛ (مروزی، ۱۴۱۴: ۲۲۱)

مهدی علیه السلام نسبت به کارگزاران [دولت خویش] بسیار سخت‌گیر، نسبت به دارایی بخشنده و نسبت به تهی‌دستان بسیار مهربان است.

امام علی علیه السلام نیز می‌فرماید:

... يَأْخُذُ الْوَالِي مِنْ غَيْرِهَا عُمَّالَهَا عَلَي مَسَاوِي أَعْمَالِهَا... ؛ (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸)

او مسئولان و کارگزاران را به جرم کردار زشتشان مجازات خواهد کرد.

۶. استفاده از تمامی امکانات برای اصلاحات

اگرچه بشر به پیش‌رفت حیرت‌انگیزی در زمینه‌های اقتصادی، صنعت، فن‌آوری و علوم مختلف، ارتباطات و... رسیده است، در عصر ظهور این امر به توسعه و تکامل صدچندان می‌رسد

و امام از همه این امکانات برای اقدامات اصلاح‌گرایانه خود استفاده می‌کند. حضرت همه وسایل و امکانات تربیتی را در اختیار دارد و با استفاده از آنها مردم همه جوامع را از تعلیمات شایسته و الهی بهره‌مند می‌سازد.

چشم‌اندازی به وضعیت فرهنگی جهان در عصر حاضر

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَلَا يَزَالُونَ يَقَاتِلُونَكُمْ حَتَّىٰ يَرُدُّوكُمْ عَن دِينِكُمْ إِنِ اسْتَفَعُوا﴾؛ (بقره: ۲۱۷)

و آنان پیوسته با شما می‌جنگند تا اگر بتوانند شما را از دینتان برگردانند.

واژه «لَا يَزَالُونَ» در آیه شریفه دلالت بر استمرار دارد و گویای این واقعیت است که دشمنان همواره با اسلام در حال جنگ هستند و از هر طریقی که بتوانند سعی می‌کنند مسلمانان را از دینشان منحرف سازند. تاریخ نیز بر این واقعیت گواهی می‌دهد. از آغازین روزهای دعوت، تبلیغات منفی مشرکان علیه پیامبر ﷺ به صورت‌های مختلف آغاز شد. ساحر و مجنون خواندن حضرت، استهزاهای مکرر، محاصره اقتصادی در شعب، جنگ‌های نظامی، کارشکنی‌های فکری منافقان و... گویای تهاجمات گونه‌گون دشمنان به دین مبین اسلام است. در زمان امام علی علیه السلام نیز توطئه‌های معاویه و اقدامات حيله‌گرانه او که به فریب افکار عمومی و وقوع جنگ‌های صفین و نهروان انجامید و نیز بروز فرقه‌های انحرافی متعدد در دوران دیگر امامان علیهم السلام که گاه آگاهانه و برای تخریب و نابودی اسلام ناب سازمان‌دهی می‌شد، بیان‌گر این حقیقت است که مسئله تهاجم به دین اسلام امری تازه و مختص زمان حاضر نیست، بلکه پیشینه‌ای به پهنای ظهور اسلام دارد، و انگهی در هر زمان در شکل و قالبی نو و متناسب با اقتضائات همان زمان طراحی شده است. امروز نیز وقتی دشمنان اسلام به‌رغم کوشش‌های فراوان در جبهه‌های نظامی و اقتصادی با تجربه تلخ شکست مواجه شدند، تصمیم گرفتند در جبهه فرهنگ و از طریق حمله به ارزش‌ها و باورهای دینی مسلمانان وارد عمل شوند و بدین ترتیب از درون به اسلام حمله کردند. از آنجا که روز به روز تهاجمات آنها در این عرصه پیچیده‌تر و مرموزانه‌تر گشت، مقام معظم رهبری تعبیر دقیق‌تری را در این مورد به کار بردند؛ تعبیری چون: تهاجم فرهنگی، شبیخون فرهنگی، براندازی فرهنگی، ناتوی فرهنگی و جنگ نرم، تا هرچه بیش‌تر مردم را به خطرات این مسئله و اهمیت مقابله با آن توجه دهند.

لذا تهاجم فرهنگی یا همان جنگ نرم حرکتی است مرموزانه، حساب شده با برنامه‌ریزی دقیق که با استفاده از شیوه‌ها و ابزارها و امکانات متعدد و متنوع برای سست کردن باورها، دگرگونی ارزش‌ها، انحراف اندیشه‌ها، تغییر و تبدیل آداب و سنن و نابودی اصول اخلاقی حاکم بر یک جامعه انجام می‌گیرد. رهبر معظم انقلاب در این باره می‌فرماید:

تهاجم فرهنگی به این معناست که یک مجموعهٔ سیاسی یا اقتصادی برای اجرای مقاصد خاص خود و اسیر کردن یک ملت، به بنیان‌های فرهنگی آن ملت هجوم می‌برد. در این هجوم باورهای تازه‌ای را به زور و به قصد جای‌گزینی با فرهنگ و باورهای ملی آن ملت وارد کشور می‌کنند. (خامنه‌ای، ۱۳۷۳: ۳)

بنابراین، دشمن در جنگ نرم سعی دارد از طریق دگرگونی اندیشه‌ها و ارزش‌ها و در هم شکستن اصول اخلاقی و سست کردن باورهای دینی، ملت مورد نظر را به پوچی بکشاند و چون آن ملت را از لحاظ شخصیتی تضعیف کرد و روحیهٔ استقلال و قدرت مقاومت را از او گرفت، اصول فکری خویش را القا و فرهنگ و باورهایش را بر آنها تحمیل می‌کند.

انگیزهٔ انبیا و مصلحان الهی از ایجاد تحولات فرهنگی در جامعه، الهی بوده است. ایشان قصد دارند مفاسد و انحرافات را اصلاح کنند که در ابعاد مختلف معرفتی، ارزشی، رفتاری و... گریبان‌گیر جوامع شده است و مردم را به سوی ارزش‌های الهی و انسانی سوق دهند و اصالتاً ایشان از طرف خداوند موظف گشته‌اند تا خطاها و انحرافات جوامع را اصلاح کنند. بنابراین، اگر در این راستا در فرهنگ تصرف شود، نه‌تنها مذموم نیست، بلکه ممدوح و شایسته است. آنچه هجوم فرهنگی مذموم به شمار می‌آید و دشمن درصدد انجام آن است تلاش برای تغییر بینش الهی و ارزش‌های والای معنوی و تحمیل الگوهای اخلاقی و رفتاری انحرافی و منحط به جوامع است. (مصباح یزدی، ۱۳۸۱: ۷۳)

اهداف دشمنان از جنگ نرم

استکبار جهانی و سردمداران کفر و شرک درصددند تا با به دست گرفتن تحولات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی کشورها بر سراسر جهان سیطرهٔ کامل یابند و همهٔ عالم را مستخر ارادهٔ خود سازند، لکن به خوبی دریافته‌اند که بزرگ‌ترین مانع برای رسیدن به این هدف، اسلام است؛ چرا که در بینش اسلامی آموزه‌های متعالی‌ای چون ظلم‌ستیزی، عدالت‌خواهی، آزادی، هم‌بستگی، امید، معنویت، عزت، ایثار و از خودگذشتگی و... وجود دارد که پای‌بندی به هر یک از آنها می‌تواند خواسته‌های پلید دشمنان را با چالش‌های جدی روبه‌رو سازد. لذا تمامی امکانات و توان خود را به کار گرفته‌اند تا از طریق نفوذ در فرهنگ غنی اسلامی و تغییر در باورها، رفتارها و ارزش‌ها، بنیان‌های فکری و اعتقادی مسلمانان را تخریب کنند و بذر یأس و خودکم‌بینی را در ملت‌های مسلمان شکوفا سازند و فرهنگ تهی و پوچ خود را الگوی فرهنگ برتر به جوامع تحمیل نمایند. به این ترتیب، درصدد برآمده‌اند تا مهم‌ترین مانع در برابر اهداف پلید خود یعنی آموزه‌های اسلامی را دچار استحاله کنند تا به راحتی بتوانند جوامع را به استثمار خود درآورند و بر کل جهان استیلا یابند.

روش‌های جنگ نرم

- مجموعه روش‌هایی که دشمن در جنگ نرم از آنها بهره می‌جوید به قرار زیر است:
۱. روش‌هایی که موجب تغییر در بینش افراد می‌گردد و در نظام فکری و اعتقادی آنها دگرگونی ایجاد می‌کند. دشمن در این روش با القای شبهات فکری و یا ارائه نظریات فلسفی، معرفت‌شناختی و هستی‌شناسانه به عنوان مسائل فلسفی نو، در میانی معرفتی مسلمانان تردید به وجود می‌آورد و آموزه‌های دینی را که عامل بیداری و پویایی است، کهنه، سطحی، واپس‌گرا و ناکارآمد معرفی می‌کند.
 ۲. روش‌هایی که موجب دگرگونی در گرایش‌های دینی و ملی افراد می‌گردد. ترویج عقایدی چون اسلام سکولار، تقویت سلفی‌گری و مذاهب انحرافی دیگر و نیز تضعیف برنامه‌های گرایش‌های دینی و معنوی و روش‌هایی چون ایجاد تفرقه و بی‌هویتی در ملت‌ها، تخریب یا تحریف گذشته جوامع، توسعه روحیه غرب‌گرایی و غرب‌زدگی، تخریب شخصیت‌ها و پست جلوه دادن الگوهای بومی ملت‌ها و... باعث تغییر در گرایش‌های ملی و بومی افراد می‌گردد.
 ۳. روش‌هایی که موجب تغییر در کنش و رفتار افراد جامعه می‌گردد که بارزترین نمود آن توسعه و ترویج فساد و بی‌بندوباری، گسترش فحشا و ابتذال، مواد مخدر و... است.

ابزارهای جنگ نرم

دشمنان اسلام و بشریت برای رسیدن به مقصود، همه ابزارهای تبلیغاتی، برترین تکنولوژی‌ها و جدیدترین روش‌های علمی را به کار گرفته‌اند، از جمله رسانه‌های ارتباطی جهانی هم‌چون شبکه‌های رادیویی، تلویزیونی، ماهواره‌ای، اینترنتی، بازی‌های رایانه‌ای و صدها روزنامه و هزاران پایگاه خبری و تبلیغاتی که هر کدام به نحوی با نفوذ و تأثیرگذاری در افکار عمومی، در پی ایجاد گسست در شالوده مستحکم دینی و ملی مسلمانان هستند. از ابزارهای دیگر جنگ نرم نیروهای انسانی، نویسندگان، هنرمندان، نخبگان، تحصیل‌کردگان خارج از کشور، روشن‌فکران، تاجران و بازرگانان بین‌المللی و کسانی هستند که می‌توانند اندیشه‌های سیاسی و فرهنگی بیگانگان را ترویج و منتقل سازند و با ترفندهای گوناگون اسباب خودباختگی فرهنگی ملت‌ها، خصوصاً ملت‌های مسلمان را فراهم آورند. ترویج و تقویت فرقه‌های ضاله مانند بهائیت، وهابیت، شیطان‌پرستی و دراویش منحرف از حربه‌های دیگر دشمنان برای بی‌ثبات‌سازی اعتقادات مسلمانان است.

نتایج جنگ نرم در جوامع کنونی

بخشی از فعالیت‌های فرهنگی ضد دینی دشمنان اسلام تبیین گردید، لکن از آن‌جا که این جنگ فرهنگی بسیار گسترده و پیچیده است، قهراً تأثیرات منفی بسیاری هم در جوامع نهاده است. نابسامانی‌ها و کاستی‌های فرهنگی ناشی از آن عبارتند از:

۱. فراموش شدن معیارهای صحیح سعادت و کمال و تحریف و بدعت در اصول دین و احکام اسلام؛
 ۲. خودنمایی افکار و اندیشه‌های واهی بشری به نام دین و تفسیر شدن آموزه‌های دینی بر طبق سلیقه‌ها و آرای شخصی؛
 ۳. ترویج انواع ناهنجاری‌های اخلاقی، فساد و فرهنگ ضد دینی؛
 ۴. رواج فرهنگ تجمل‌پرستی، مصرف‌گرایی و سرمایه‌سالاری؛
 ۵. تباهی اخلاق و کم‌فروغی معنویت، فراگیری الحاد و دین‌گریزی و جهالت مدرن و... .
- آشفتگی فرهنگی جوامع در دوران قبل از ظهور در روایات چندی ترسیم گشته است که تنها به بیان یک حدیث از امام صادق علیه السلام بسنده می‌شود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

ظلم و ستم همه جا را فرا می‌گیرد؛ قرآن فرسوده و بدعت‌ها از روی هوا و هوس در آن ایجاد می‌شود، آیین یکتاپرستی (اسلام) بی‌محتوا می‌گردد؛ اهل باطل بر اهل حق مقدم می‌شوند؛ مردان به مردان و زنان به زنان قناعت می‌کنند؛ مؤمنان، سکوت اختیار می‌کنند؛ کوچک‌ترها، احترام بزرگ‌ترها را حفظ نمی‌کنند؛ ثناگویی و چاپلوسی زیاد می‌شود؛ آشکارا شراب می‌نوشند؛ راه‌های خیر مسدود و راه‌های شر مورد توجه قرار می‌گیرد، حلال الهی، حرام و حرام او مجاز شمرده می‌شود؛ قوانین و فرمان‌های دینی، مطابق تمایلات اشخاص تفسیر می‌گردد؛ سرمایه‌های عظیم در راه خشم خدا (فساد و بی‌دینی) مصرف می‌شود؛ رشوه‌خواری در میان کارگزاران دولت رایج می‌گردد و پست‌های حساس به مزایده گذاشته می‌شود؛ قمار آشکار می‌گردد و سرگرمی‌های ناسالم رواج پیدا می‌کند؛ شنیدن حقایق قرآن بر مردم گران می‌آید، ولی شنیدن باطل آسان و جذاب می‌شود؛ مردم سنگ‌دل و طرفدار زورمداران و قدرت‌مندان می‌شوند؛ آلات لهو و لعب، حتی در مکه و مدینه آشکار می‌شود و اگر کسی اقدام به امر به معروف و نهی از منکر کند به او توصیه می‌کنند که این کار وظیفه تو نیست؛ تمام همت مردم، شکم و فرجشان است؛ زنان خود را در اختیار افراد بی‌ایمان می‌گذارند؛ پرچم‌های حق‌پرستی فرسوده و کهنه می‌گردد؛ ویران‌گری و تخریب بر عمران و آبادی پیشی می‌گیرد؛ مردم، عصرها در حال نشئه و صبح‌گاهان مستند؛ هر سال، فساد و بدعتی نو پدیدار می‌شود؛ مردم پیرو ثروت‌مندان خودخواه می‌شوند و... (کلینی، همان: ج ۸، ۳۶)^۱

به یقین اصلاح این همه ناهنجاری به یک انقلاب بزرگ نیاز دارد و جز در سایه‌سار دولت مهدوی امکان‌پذیر نیست، اما دولت زمینه‌ساز در راستای رسالت زمینه‌سازی خود باید تمامی توان و امکانات خود را برای بهبود این اوضاع نابسامان به کار گیرد. از این‌رو مهندسی فرهنگی کشور

۱. کلینی دو طریق برای این روایت ذکر کرده که بدین قرار است: «محمد بن یحیی، عن احمد بن محمد، عن بعض اصحابه» و «علی بن ابراهیم، عن ابيه، عن ابن‌ابی عمیر جمیعاً عن محمد بن ابی حمزه، عن حمزان عن ابی‌عبدالله علیه السلام...» که هر دو طریق نیز صحیح است.

امری بایسته و لازم است و به همین دلیل، نیز مقام معظم رهبری بارها بر آن تأکید کرده‌اند. ایشان در تبیین مهندسی فرهنگی فرموده‌اند:

یکی از مهم‌ترین تکالیف ما در درجهٔ اول، مهندسی فرهنگ کشور است، یعنی مشخص کنیم که فرهنگ ملی، فرهنگ عمومی و حرکت عظیم درون‌زا و سیورورت‌بخش و کیفیت‌بخشی که اسمش فرهنگ است و در درون انسان‌ها و جامعه به وجود می‌آید، چگونه باید باشد؟ اشکالات و نواقصش چیست؟ و چگونه باید رفع شود؟ کندی‌ها و معارضاتش کجاست؟ مجموعه‌ای لازم است که اینها را تصویر کند و بعد مثل دست محافظی هوای این فرهنگ را داشته باشد. (بیانات مقام معظم رهبری، هشتم دی ۱۳۸۳)

بنابراین، مهندسی فرهنگی یعنی طراحی و تدوین نقشه‌ای مطلوب و جامع برای اصلاح، تکمیل و ارتقای فرهنگ جامعه. نقشه‌ای که بتواند چپستی و چگونگی فرهنگ را تبیین کند و نه تنها راه‌بردهای اساسی و کلان که راه‌کارهای عملیاتی و وحدت‌بخش را در عرصهٔ اصلاح فرهنگ ارائه نماید. از جمله مهم‌ترین اصولی که در تدوین این نقشه باید متولیان امر، به‌ویژه شورای عالی انقلاب فرهنگی بدان توجه کنند، آیندهٔ فرهنگی جهان و آموزه‌های مهدویت است. آموزه‌های مهدویت، باید زیربنای مهندسی فرهنگی واقع شود تا چشم‌اندازی روشن پیش‌روی نهادهای مسئول قرار دهد؛ چرا که فرهنگ مهدوی خود برترین شاخص برای برنامه‌ریزی‌های فرهنگی است.

راه‌بردهای دولت زمینه‌ساز برای مقابله با هجمه‌های فرهنگی دشمنان

چنان که گذشت، تهاجم به تعالیم و فرهنگ غنی اسلام امری تازه و مختص به زمان حاضر نیست، بلکه از آغاز رسالت پیامبر گرامی ﷺ وجود داشته و در دوران ائمه علیهم‌السلام نیز به اشکال مختلفی رخ نموده و تاکنون نیز ادامه یافته است. قرآن کریم روش مقابله با هجمه‌های دشمنان را بیان فرموده است، آن‌جا که می‌فرماید:

﴿فَمَنْ اَعْتَدَىٰ عَلَيَّكُمْ فَاَعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اَعْتَدَىٰ عَلَيَّكُمْ﴾؛ (بقره: ۱۹۴)

پس هر کس بر شما تعدی کرد، همان‌گونه که بر شما تعدی کرده بر او تعدی کنید.

آیهٔ شریفه می‌تواند بر این مطلب دلالت کند که همان‌گونه که در جنگ نظامی و اقتصادی، به همان شیوه باید مقابله کرد، در جنگ فرهنگی و فکری نیز باید از روش‌های فکری و فرهنگی بهره جست. علاوه بر این، آموزهٔ روشن‌قرآنی که مشی کلی مقابله را ترسیم فرموده است، روش رویارویی پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام با انواع هجمه‌های فرهنگی نیز باید الگو و راه‌گشای دولت زمینه‌ساز در تدوین برنامه‌های راه‌بردی قرار گیرد.

۱. بصیرت‌دهی

با نگاهی به سیره رسول اکرم ﷺ در دوره ۲۳ ساله رسالت درمی‌یابیم که اولین اقدام حضرت برای تبلیغ دین، روشن‌گری و آگاهی دادن به مردم بود. پیامبر اسلام ﷺ با بیان آموزه‌های دین اسلام و تفسیر قرآن، عقول و معرفت انسان‌ها را رشد داد و علم و دانایی را به جای جهل و نادانی نشاند تا اعراب در پرتو رشد عقلی و علمی، فرهنگ و آداب و رسوم غلط جاهلی را رها کردند و پذیرای دین مبین اسلام گشتند. تاریخ از حکومت رسول خدا ﷺ، حکومتی بر اساس شمشیر و جنگ ترسیم نمی‌کند، بلکه حکومت حضرت اولاً و بالذات بر پایه عقل و منطق و روشن‌گری است و در صورت عدم تأثیر روش گفت‌وگو و ارشاد و در مرحله بعد از آن، جهاد قرار دارد. بصیرت‌دهی و روشن‌گری سیره و منش امامان هدی ﷺ نیز بوده است. فریاد روشن‌گرانه حضرت زهرا ﷺ برای مقابله با انحرافات پیش آمده بعد از رحلت پیامبر ﷺ، خطبه‌های روشن‌گرانه امام علی ﷺ و دیگر امامان ﷺ در صحنه‌های گوناگون رویاروی با افراد جامعه و دشمنان دین، بیانگر روش برخورد ائمه با فتنه‌ها و انحرافات است. پیامبر اسلام ﷺ و امامان هدی ﷺ هم خود بصیر بودند و هم جامعه را به بصیرت و آگاهی فرا می‌خواندند. آنها هیچ‌گاه از غفلت و جهل مردم یا از تعصبات قومی و جاهلی آنها یا از راه تحریک دشمنان و فریب دادن آنها برای رسیدن به اهداف خود بهره نگرفتند. خدای متعال خطاب به رسول گرامی‌اش می‌فرماید:

﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي﴾؛ (یوسف: ۱۰۸)

بگو این راه من است و پیروانم و با بصیرت کامل همه مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنم.

آیه شریفه گویای نقش مهم بینش و بصیرت در افکار و افعال انسان است. ارزش و اعتبار باورها و عملکردهای انسان وابسته به نوع بینش و نگرش اوست. به همین دلیل، همه پیشوایان دین بر بصیرت‌دهی به مردم تأکید داشتند. تعاریف متعددی درباره واژه بصیرت ارائه شده است که با تأمل در مجموع آنها چنین برداشت می‌شود که بصیرت به معنای بینش عمیق و دقیق به مسائل اجتماعی، سیاسی، معنوی و... و توانایی شناخت اشخاص، گروه‌ها، شرایط، رفتارها، حب و بغض‌ها، اهداف و انگیزه‌ها، تعلقات و هوس‌ها و درک صحیح و فهم درست از همه این وقایع و تحلیل و ارزیابی آنها با ملاک دین است. با توجه به این تعریف می‌توان گفت دو رکن اصلی بصیرت عبارت است از تشخیص جوانب مختلف یک مسئله و تحلیل آن جوانب بدون توجه به احساسات و هواهای نفسانی.

در پرتو بصیرت می‌توان حق را از باطل و دوست را از دشمن به خوبی بازشناخت و درباره پیش‌آمدهای گوناگون، واکنشی صحیح و مناسب نشان داد. بصیرت امری درونی است، اما نمود بیرونی و قوی دارد که در طرز سخن گفتن و رفتار کردن و نوع گزینش‌های فرد در برخورد با

روی دادها نمایان می‌شود. فرد بصیر در هنگام بحران‌ها و فتنه‌ها می‌تواند مسیر حق را بشناسد و راه رشد و سعادت را تشخیص دهد و در آن مسیر حرکت کند. حضرت امیر علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرماید:

إِنَّمَا الْبَصِيرُ مَنْ سَمِعَ فَتَنَكَرَ وَ نَظَرَ فَأَبْصَرَ وَ انْتَفَعَ بِالْعَبْرِ ثُمَّ سَلَكَ جَدَدًا وَاضِحًا
يَتَجَنَّبُ فِيهِ الصَّرْعَةَ فِي الْمَهَاوِي؛ (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۳)

انسان بصیر کسی است که به درستی بشنود و اندیشه کند و به درستی بنگرد و آگاه شود و از عبرت‌ها پند بگیرد، پس راه روشنی را پیماید و از افتادن در پرتگاه‌ها دوری کند.

آن‌چه در این فرمایش برجسته است نتیجه به کارگیری بصیرت است که مانع از سقوط در پرت‌گاه می‌شود.

منابع بصیرت

در متون روایی، مواردی چند منابع اصلی دست‌یابی به بصیرت معرفی شده‌اند که عبارتند از:

۱. قرآن کریم و سخنان اهل بیت علیهم السلام

امام علی علیه السلام قرآن را از مهم‌ترین زمینه‌های کسب آگاهی و بصیرت می‌داند و می‌فرماید:

وَ كِتَابُ اللَّهِ بَيْنَ أَظْهُرِكُمْ نَاطِقٌ لَا يَعْيا لِسَانُهُ وَ بَيِّنٌ لَا تُهْدِمُ أَرْكَانُهُ وَ عَزٌّ لَا تُهْزِمُ
أَعْوَانُهُ... كِتَابُ اللَّهِ يُبْصِرُونَ بِهِ وَ تَنْطِقُونَ بِهِ وَ تَسْمَعُونَ بِهِ وَ يَنْطِقُ بَعْضُهُ بِبَعْضٍ وَ
يَشْهَدُ بَعْضُهُ عَلَى بَعْضٍ وَ لَا يَخْتَلِفُ فِي اللَّهِ وَ لَا يُخَالِفُ بِصَاحِبِهِ عَنِ اللَّهِ؛ (نهج البلاغه،
خطبه ۱۳۳)

کتاب خدا، قرآن در میان شما سخن‌گویی است که هیچ‌گاه زبانش از حق‌گویی کند و خسته نمی‌شود و همواره گویاست. خانه‌ای است که ستون‌های آن هرگز فرو نمی‌ریزد و عزتی دارد که یارانش هرگز شکست ندارند... این قرآن است که با آن می‌توانید راه حق را بنگرید و به بصیرت برسید، با آن سخن بگوئید و به وسیله آن بشنوید. بعضی از قرآن از بعضی دیگر سخن می‌گوید و برخی بر برخی دیگر گواهی می‌دهد. آیاتش در شناساندن خدا اختلافی ندارد و کسی را که همراهش شود، از خدا جدا نمی‌کند.

حضرت در جای دیگری قرآن را هادی معرفی می‌فرمایند که گمراه نمی‌کند:

وَ اعْلَمُوا أَنَّ هَذَا الْقُرْآنَ هُوَ النَّاصِحُ الَّذِي لَا يَغْشَى وَ الْهَادِي الَّذِي لَا يُضِلُّ وَ
الْمُحَدِّثُ الَّذِي لَا يَكْذِبُ... وَ اتَّهَمُوا عَلَيْهِ آراءَ كُمْ وَ اسْتَعْشَرُوا فِيهِ أَهْوَاءَ كُمْ؛
(نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶)

آگاه باشید! همانا این قرآن پنددهنده‌ای است که نمی‌فریبد و هدایت‌کننده‌ای است که گمراه نمی‌سازد و سخن‌گویی است که هرگز دروغ نمی‌گوید... و رأی و نظر مخالف قرآن را به دخالت هوای نفس متهم کنید.

۲. عقل

عقل از منابع بینش انسان است. مراد از عقل، عقلی است که بتواند به شناخت راه سعادت برسد، چنان که امام علی علیه السلام می‌فرماید:

كَفَاكَ مِنْ عَقْلِكَ مَا أَوْضَحَ لَكَ سَبِيلَ عَيْكَ مِنْ رُشْدِكَ؛ (نهج البلاغه، حکمت ۴۲۱)
عقل تو را کفایت می‌کند که راه گمراهی را از رستگاری نشانت دهد.

امام علیه السلام در جای دیگری فکر را عامل بصیرت معرفی می‌نمایند:

مَنْ طَالَ فِكْرُهُ حَسُنَ نَظْرُهُ؛ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۵۷)
هر کس فکرش طولانی شود بینایی او نیکو می‌شود.

۳. علم و دانایی

علم و آگاهی از دیگر منابع کسب بینش و بصیرت است. این معنا در نهج البلاغه چنین بیان شده است:

هَجَمَ بِهِمُ الْعِلْمُ عَلَى حَقِيقَةِ الْبَصِيرَةِ وَ بَاشَرُوا رُوحَ الْيَقِينِ...؛ (نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷)
دانش آنان را به حقیقت بینای رهنمون می‌سازد و آن را با آرامش یقین به کار می‌بندد...

لکن باید توجه داشت که علم بدون ایمان و تقوا موجب بصیرت نمی‌گردد و عالمی که از علم خود برای رسیدن به خواسته‌های دنیوی و امیال نفسانی استفاده کند، هرگز فرد بصیری نخواهد بود و درهای بصیرت تنها به سوی عالمان مؤمن و باتقوا گشوده می‌شود، چنان که قرآن کریم نیز می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ﴾؛ (اعراف: ۲۰۱)

در حقیقت کسانی که از خدا پروا دارند چون وسوسه‌ای از شیطان به ایشان رسد [خدا را] به یاد آورند و به ناگاه بینا شوند.

۴. تاریخ و سرگذشت گذشتگان

توجه به تاریخ و عبرت‌آموزی از سرگذشت پیشینیان موجب بصیرت و نگرش صحیح به زندگی می‌گردد. به همین دلیل، پیشوایان دین همواره بر تفکر و تأمل در سرگذشت اقوام گذشته تأکید داشته‌اند. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً تَفَكَّرَ فَاعْتَبَرَ وَ اعْتَبَرَ فَأَبْصَرَ؛ (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۳؛ تمیمی آمدی، همان: ۱۹۱)

خدا رحمت کند کسی را که به درستی فکر کند و پند گیرد و آگاهی یابد و بینا گردد.

بر اساس نص آیات قرآن کریم و کلام وحیانی امام علی علیه السلام، قرآن کریم، عقل، علم و تاریخ - که البته تاریخ نیز نوعی از علم است - از منابع و زمینه‌های کسب بصیرت هستند. در بررسی وضعیت فرهنگی دوران ظهور که براساس روایات معتبر ترسیم گردید نیز این نتیجه حاصل شد که امام مهدی علیه السلام اصلاحات فرهنگی خود را در سه محور رشد و تعالی اخلاقی و معنوی، رشد معرفت دینی و رشد عقل و تکامل علم انجام می‌دهند. مقایسه این دو مقوله به روشنی نمایان‌گر سیره و منش امام مهدی علیه السلام در سامان‌دهی فرهنگی جامعه است؛ چرا که رشد و تعالی اخلاقی و معنوی و رشد معرفت دینی جز در سایه تفسیر صحیح و تأمل عمیق در قرآن کریم و پای‌بندی به تعالیم وحیانی میسر نیست. هم‌چنین این امر افزون بر رشد عقل و اندیشه و تکامل علم، بصیرتی عمیق را به دنبال خواهد داشت. بنابراین، روش امام در رویارویی با آشفتگی‌های فرهنگی، همان بصیرت‌دهی و روشن‌گری است، چنان‌که سیره و منش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام نیز چنین بوده است.

بنابراین، می‌توان دلیل توجه پیشوایان به این مسئله را رابطه تنگاتنگ بصیرت با شناخت دقیق تعالیم اسلامی و نیز عمل و پای‌بندی به آنها دانست؛ همان چیزی که در تضاد با منافع و اهداف دشمنان بوده و آنها را به مبارزه مصمم کرده است. به همین دلیل، ولی فقیه امت اسلام حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (حفظه الله) نیز بارها بر کسب آگاهی و بصیرت تأکید کرده‌اند. بخشی از بیان ایشان در این باره چنین است:

این که من در طول چند سال گذشته همیشه بر روی بصیرت تأکید کرده‌ام، به خاطر این است که یک ملتی که بصیرت دارد، مجموعه جوانان یک کشور وقتی بصیرت دارند، آگاهانه حرکت می‌کنند و قدم برمی‌دارند، همه تیغ‌های دشمن در مقابل آنها کند می‌شود؛ بصیرت این است. بصیرت وقتی بود، غبار آلودگی فتنه نمی‌تواند آنها را گمراه کند، آنها را به اشتباه بیندازد. اگر بصیرت نبود، انسان ولو با نیت خوب، گاهی در راه بد قدم می‌گذارد... در زندگی پیچیده اجتماعی امروز، بدون بصیرت نمی‌شود حرکت کرد. جوان‌ها باید فکر کنند، بیندیشند، بصیرت خودشان را افزایش بدهند. معلمان روحانی، متعهدان موجود در جامعه ما از اهل سواد و فرهنگ، از دانشگاهی و حوزوی، باید به مسئله بصیرت اهمیت بدهند. بصیرت در هدف، بصیرت در وسیله، بصیرت در شناخت دشمن، بصیرت در شناخت موانع راه، بصیرت در شناخت راه‌های جلوگیری از این موانع و برداشتن این موانع، این بصیرت‌ها لازم است. وقتی بصیرت بود، آن وقت شما می‌دانید با کی طرفید، ابزار لازم را با خودتان برمی‌دارید... جوانان عزیز! هر چه می‌توانید در افزایش بصیرت خود، در عمق بخشیدن به بصیرت خود، تلاش کنید و نگذارید دشمنان از بی‌بصیرتی ما استفاده کنند؛ دشمن به شکل دوست جلوه کند، حقیقت به شکل باطل و باطل در لباس حقیقت.

امیرالمؤمنین علیه السلام در یک خطبه‌ای از جمله: «إِنَّمَا بَدَأَ وَقُوعَ الْفِتَنِ أَهْوَاءُ تَتَّبِعُ وَأَحْكَامُ تَبْتَدِعُ يَخَالَفُ فِيهَا كِتَابَ اللَّهِ»، (نهج البلاغه، خطبه ۵۰) مهم‌ترین مشکلات جامعه همین را می‌شمارد. در همین خطبه امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: اگر حق به‌طور واضح در مقابل مردم

آشکار و ظاهر شود، کسی نمی‌تواند زبان علیه حق باز کند. اگر باطل هم خودش را به‌طور آشکار نشان بدهد، مردم به سمت باطل نخواهند رفت. «ولکن یؤخذ من هذا ضغث ومن هذا ضغث فیمیزجان.» (همان)

آن کسانی که مردم را می‌خواهند گمراه بکنند، باطل را به صورت خالص در نمی‌آورند؛ باطل و حق را آمیخته می‌کنند، ممزوج می‌کنند، آن وقت نتیجه این می‌شود که «فهنالک یستولی الشیطان علی اولیائه»؛ (همان) حق، برای طرفداران حق هم مشتبه می‌شود، این است که بصیرت می‌شود اولین وظیفه ما. نگذاریم حق و باطل مشتبه بشود.

... امروز در مقابل نظام جمهوری اسلامی که فعلاً قله اسلام‌طلبی در دنیای اسلام است، صفوفی قرار گرفته‌اند؛ استکبار جهانی در قلب آن صفوف است؛ صهیونیست در قلب آن صفوف است. اینها به‌طور صریح دشمنان خونی اسلامند، پس دشمنان خونی جمهوری اسلامی‌اند. این شد یک معیار. اگر حرکتی کردیم، کاری کردیم که به نفع این دشمن انجام گرفت، باید بدانیم اگر غافلیم، هوشیار شویم، بدانیم که داریم راه غلط می‌رویم. اگر حرکتی کردیم که دیدیم این دشمن را خشمگین می‌کند، بدانیم که راهمان راه درست است. دشمن از پیش‌رفت ملت ایران خشمگین می‌شود، از موفقیت‌های شما خشمگین می‌شود. از استحکام نظام اسلامی خشمگین می‌شود. شما ببینید از کدام‌یک از کارهای ما دشمن خشمگین می‌شود؛ آن چیزی که دشمن را خشمگین می‌کند، این همان خط درست است. آن چیزی که دشمن را مشعوف می‌کند، ذوق‌زده می‌کند، سعی می‌کند بر روی او هی تکیه کند؛ در تبلیغات، در سیاست‌ورزی، این آن خط کج است؛ این همان زاویه‌داری است. این معیارها را در نظر داشته باشید. این معیارها حقایق را روشن خواهد کرد. در بسیاری از موارد آن جایی که اشتباهی پیش می‌آید، با این معیارها می‌شود آن اشتباه را برطرف کرد. (بیانات ایشان در جمع مردم چالوس و نوشهر، پانزدهم مهر ۱۳۸۸)

۲. معرفت‌بخشی

معرفت‌بخشی دومین طرح زیربنایی برای مقابله با جنگ فرهنگی دشمنان در دولت زمینه‌ساز می‌تواند به شمار آید. منظور از معرفت، شناخت عمیق و همه‌جانبه صفات، سیره اخلاقی، حکومتی، اجتماعی و اهداف عالی امام مهدی علیه السلام است و به عبارت روشن‌تر معرفت به تمام شئون امام اعم از رهبری سیاسی، مرجعیت علمی و دینی، قضاوت و صدور حکم و ولایت تکوینی و معنوی و تشریحی و... بدیهی است این نوع شناخت جز در پرتو معرفی همه ابعاد شخصیتی حضرت و رسالت عظیم ایشان میسر نیست. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است:

لَا يَقْدِرُ الْخَلَائِقُ عَلَى كُنْهِ صِفَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَكَمَا لَا يَقْدِرُ عَلَى كُنْهِ صِفَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَكَذَلِكَ لَا يَقْدِرُ عَلَى كُنْهِ صِفَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَكَمَا لَا يَقْدِرُ عَلَى كُنْهِ صِفَةِ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَكَذَلِكَ لَا يَقْدِرُ عَلَى كُنْهِ صِفَةِ الْإِمَامِ عَلَيْهِ السَّلَام...؛ (مجلسی، همان: ج ۶۰، ۱۶۹)

مردم از پی بردن به کنه صفت خداوند ناتوانند و همان‌گونه که از پی بردن به گوهر صفت خدای متعال عاجزند توان فهم حقیقت صفت رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را نیز ندارند و

همان‌سان که از دریافت صفت رسول خدا ﷺ عاجزند از درک ژرفای صفت امام نیز دور و بی‌بهره‌اند.

لکن نرسیدن به قلّه رفیع معرفت کامل امام نباید مانع از دستیابی به درجاتی از معرفت ایشان گردد. در واقع عدم معرفت صحیح و حقیقی مردم به امام یکی از عوامل غیبت بوده است. پس رسالت خطیر دولت زمینه‌ساز شناساندن بایسته و همه‌جانبه امام به جامعه اسلامی در جهان است. امروزه، شناختن امام منحصر در مطالعه تألیفات، شرکت در همایش‌ها یا توجه به برنامه‌های اندک و محدود رادیو و تلویزیون است. این‌ها بسیار خوب و ارزش‌مند است، لکن کافی نیست؛ چرا که معرفت‌بخشی از این طرق، با ذهن و زندگی افراد آمیخته نمی‌گردد. معرفت باید طوری به جامعه ارائه گردد که همه مردم خواه ناخواه وجود امام را در میان خود حس کنند و خود را در محضر امام ببینند. صرف اعتقاد به این‌که امام در میان جامعه حضور دارد و ناظر به اعمال انسان‌هاست، کافی نیست؛ این اعتقاد باید به باور و یقین تبدیل شود. خدای حکیم نماز را در هر شبانه‌روز پنج نوبت واجب کرد تا همه در طول شبانه‌روز چندین مرتبه او را به یاد آورند و ناظر و حاضر بر اعمال خود و مالک و متصرف در همه امور بدانند. به همین دلیل، مداومت بر نماز، نوعی ملکه تقوا را به وجود می‌آورد که بازدارنده از بدی‌ها و گناهان است. اگر ارائه معرفت درباره امام ﷺ به گونه‌ای صورت گیرد که مردم را به شناختی درونی، عمیق و بازدارنده برساند آثار مثبت و سازنده‌ای در جامعه خواهد داشت.

بنابراین، شناخت امام اولاً خود موضوعیت دارد و ثانیاً به دلیل آثار مثبتی که بر آن مترتب است طریقت دارد؛ چرا که معرفت حقیقی، موجب عشق و محبت جهت یافته می‌گردد، چنان‌که امام صادق علیه السلام فرمودند: «... الْحُبُّ فَرْعُ الْمَعْرِفَةِ؛ (مجلسی، همان: ج ۶۷، ۲۲) ... دوستی حاصل معرفت است.»

چنان محبتی نیز تأثیر عملی گسترده‌ای در عمل و رفتار می‌گذارد. از جمله این تأثیرات می‌توان به دشمن‌شناسی و دوست‌شناسی، موالات و معادات (تولی و تبری)، شناخت توطئه‌ها و نقشه‌های سازمان‌یافته دشمنان، در امان ماندن از شبهه‌های ملحدان، آراستگی اخلاق و خودسازی، پایداری در مقابل مفسد و انحرافات و حفظ دین و اعتقادات اسلامی اشاره کرد، هم‌چنان‌که عدم شناخت و محبت مستلزم رکود، سقوط یا انحراف و حرکت در جهت ضد ارزش‌ها و دور شدن از مسیر هدایت می‌گردد. از این‌رو به فلسفه تأکید بر معرفت به امام در روایات می‌توان پی برد.

در نتیجه، معرفت و شناخت همه‌جانبه و صحیح و بصیرت عمیق جامعه را در برابر انواع ترفندها و حرب‌های دشمنان برای ضربه زدن به اعتقادات و ارزش‌های اسلامی آسیب‌ناپذیر گردد. این معنا به زیبایی در قرآن کریم بیان شده است، آن‌جا که می‌فرماید:

﴿عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ﴾؛ (مانده: ۱۰۵)

مراقب خود باشید؛ هنگامی که شما هدایت یافتید گمراهی کسانی که گمراه شدند (هرگونه فرهنگ گمراه و گمراه کننده) به شما ضرری نمی‌رساند.

راه کارهای مناسب برای بصیرت‌دهی و معرفت‌بخشی

پیش از بیان راه کارهای لازم که باید مورد توجه مجریان راه‌بردی در هر دو عرصه بصیرت و معرفت قرار گیرد، ذکر دو نکته به عنوان مبنای بحث لازم است: نخست آن که مسئولان و هادیان فرهنگی و نیز آحاد مردم باید عظمت خطر تهاجم را به درستی درک کنند و آن را جدی بدانند؛ چرا که در صورت عدم باور عمیق و درک صحیح درباره همه ابعاد مسئله و خطرات ناشی از آن قطعاً نمی‌توان راه‌بردها و راه کارهای مفید و مؤثری برای مقابله با آن ارائه داد و آنها را عملیاتی کرد؛ نکته دوم این که رهبران و مسئولان جامعه در درجه اول، خود باید اهل معرفت و بصیرت باشند تا با عمل خود ملت را امر به معروف و نهی از منکر کنند. آنها نباید طوری عمل کنند که تأییدی بر تلاش‌های ضد اسلامی دشمن باشد و راه را برای او هموار گردانند. راه کارهای پیش‌نهادی به قرار ذیل است:

الف) در بُعد داخلی

۱. اهتمام جدی به امر به معروف و نهی از منکر برای محو عوامل فساد فرهنگی و اخلاقی و احیای ارزش‌های اسلامی؛
۲. توجه به اصل کرامت انسانی و تکریم شخصیت آحاد جامعه و گرایش آنها به آزادی معنوی و استقلال؛
۳. فراهم ساختن زمینه رشد استعدادها و ظرفیت‌های جوانان و پرورش آنها و حمایت از نیروهای خلاق و متعهد در زمینه‌های فرهنگی و هنری؛
۴. معرفی شخصیت‌های برجسته، مؤمن و متعهد اسلامی هم‌چون علما، اندیش‌مندان، ادبا و هنرمندان و... به عنوان الگوی عملی به جامعه به منظور جلوگیری از الگو شدن شخصیت‌های کاذب غیراسلامی، هنری، ورزشی و... همراه با تبیین ویژگی‌های فکری، اخلاقی و عملی آنها؛
۵. برگزاری دوره‌های آموزشی برای همه آحاد جامعه در هر شغل و موقعیتی که هستند و تعلیم اصول و مبنای دین و آموزه‌های اسلامی به صورت معقول و منطقی به آنها به منظور افزایش سطح آگاهی‌ها و ارائه پاسخ‌های منطقی و مناسب به شبهات و پرسش‌های دینی، اجتماعی، سیاسی در قالب جلسات پرسش و پاسخ؛
۶. ترویج اصول و ارزش‌های اسلامی در دانشگاه‌ها و تقویت خودباوری در میان دانش‌جویان از طریق اساتید خبره، آگاه و متعهد؛

۷. تدوین و اجرای برنامه‌های آموزشی، پژوهشی و فرهنگی هدف‌مند و منسجم در مقاطع مختلف تحصیلی؛
۸. تشکیل و گسترش ستادها، مراکز و مؤسسات فرهنگی، متشکل از تیم فعال و مرکبی از صاحب‌نظران و طراحان فرهنگی تحت نظارت شورای عالی انقلاب فرهنگی؛
۹. نظارت جدی بر محصولات فرهنگی، بازی‌های رایانه‌ای، پوشاک و انواع کالاهای وارداتی؛
۱۰. توجه به نهادهای فرهنگی سنتی مانند کانون‌ها، هیئت‌های مذهبی و فعالیت‌های فرهنگی محلی، نظارت بر عملکرد و حمایت از آنها؛
۱۱. چاپ و انتشار کتب، مجلات و جزوات آگاهی‌دهنده و معرفت‌بخش و توزیع گسترده در مراکز دولتی، مدارس، دانشگاه‌ها و... و جلوگیری از انتشار نشریات و کتب گمراه‌کننده؛
۱۲. نظارت متخصصانه و متعهدانه بر عملکرد رسانه ملی و تقویت و تشویق و یا هشدار به آن در مواقع مقتضی؛
۱۳. ایجاد رقابت سالم در تولید برنامه‌های تلویزیونی، فیلم و نمایش‌نامه و... با رویکرد ارزشی و اخلاقی و با ایده‌های قرآنی و اسلامی و تشویق هنرمندان متعهد؛
۱۴. ایجاد اشتغال سالم و واگذاری امور به افراد متخصص، متعهد و کاردان و برنامه‌ریزی صحیح برای اوقات فراغت جوانان و نوجوانان؛
۱۵. تشکیل اتاق‌های فکر برای تأمین دانش و بصیرت و مدیریت راه‌بردی فرهنگی؛
۱۶. جهت‌دهی فعالیت‌های هنری - علمی و اجتماعی بر محور قرآن و معارف قرآنی و یا تولید فرهنگ و هنر قرآنی.

ب) در بُعد بین‌المللی

۱. مطالعه و پژوهش عمیق در حوزه‌های مختلف فرهنگ اسلامی با هدف مناظره و بحث با نظریه‌پردازان و متفکران غیراسلامی و روشن‌فکرانهای اسلامی و شناساندن فرهنگ و معارف اصیل اسلامی به ایشان؛
۲. تربیت مبلغان متخصص و متعهد و آشنا به زبان، فرهنگ و جریان‌های فکری حاکم در جهان جهت ورود به عرصه‌های مهم علمی و محافل دانشگاهی جهان و تعامل با روشن‌فکران و دانشگاهیان و حتی برقراری ارتباط با مردم و تبیین عقلانی و علمی آموزه‌های دینی و مهدوی؛
۳. ارتباط مداوم با مراکز اسلامی در کشورهای جهان به منظور مبادله اطلاعات لازم و ارزیابی نیازهای دینی، فرهنگی و تبلیغی هر کشور و اقدام مؤثر در این زمینه؛
۴. تشکیل کنفرانس‌های جدی و عمیق توسط کشورهای اسلامی و دولت‌های زمینه‌ساز با هدف برنامه‌ریزی‌های دقیق و اصولی در موضوع توسعه و توانایی فرهنگی و مقابله با انواع تهاجمات و استفاده از تمامی امکانات دنیای اسلام در راستای تحقق برنامه‌های مصوب.

ج) در ابعاد داخلی و بین‌المللی

۱. تربیت نیروی انسانی آگاه، متعهد و متخصص به انگیزه تبیین ابعاد و اهداف جنگ نرم برای مردم به‌ویژه جوانان در سطح جامعه و جهان؛ چرا که تبیین و تبلیغ فرهنگ اسلامی بدون کالبدشکافی فرهنگ‌ها و مکاتب انحرافی و نیت‌های سوء بدخواهان تأثیر بسزایی نخواهد داشت؛
۲. به‌کارگیری تکنولوژی نوین، فن‌آوری‌های کارآمد و استفاده از همه ظرفیت‌ها و سرمایه‌های فرهنگی برای شناخت چالش‌ها و نقطه‌ضعف‌ها و ارزیابی جهت‌گیری‌های فرهنگی در سطح ملی و جهانی در سال‌های آتی و اصلاح و ارتقای فرهنگی؛
۳. اطلاع‌رسانی مستمر همراه با تحلیل و تفسیر صحیح و واقعی از مسائل و ارائه معیارهای اسلامی و ارزش‌های دینی و اخلاقی؛
۴. تولید رسانه فرهنگی مانند روزنامه یا شبکه‌های تلویزیونی و رادیوی ملی و فراملی یا ایجاد رسانه مشترک اسلامی به منظور تبلیغ اندیشه‌های اسلامی در سطح جهان؛
۵. حضور فعال نهادها و مؤسسات فرهنگی اسلامی در فضای اینترنتی و گسترش معارف اسلام و قرآن در فضای مجازی.

نتیجه

جهان در عصر حاضر سرشار از فساد، بی‌دینی و جهالت است و این‌همه حاصل تلاش‌های بی‌وقفه دشمنان برای مقابله با دین اسلام و ارزش‌های متعالی الهی است. این مفاسد و ناهنجاری‌ها در آستانه ظهور به انجام خود می‌رسد. امام مهدی علیه السلام اقدامات وسیعی را برای سامان دادن به مسائل فرهنگی در جهان اجرا خواهد کرد و مدینه فاضله آرمانی را محقق خواهد نمود.

روایات اوضاع فرهنگی جهان را در عصر ظهور در نهایت پیش‌رفت و تعالی ترسیم کرده‌اند. امام علیه السلام برای به ثمر رساندن چنین انقلاب عظیم فرهنگی، رشد و تعالی دین و معنویت، اخلاق و علم و عقل را محورهای اساسی اقدامات اصلاحی خود قرار خواهد داد و با قاطعیت هرچه تمام‌تر و با استفاده از تمامی امکانات فرهنگی و تربیتی و در پرتو منطق و استدلال عقلی به ابطال عقاید باطل و تبیین صحیح آموزه‌های اسلامی و روشن‌گری و ارشاد خواهد پرداخت و از این طریق جامعه جهانی را به سطح‌اعلای تکامل دینی، اخلاقی، علمی و عقلی می‌رساند. اقدامات اصلاح‌گرایانه امام علیه السلام و نیز روش ایشان در محقق ساختن برنامه‌های اصلاحی خود، الگوی کامل دولت زمینه‌ساز برای مقابله با آشفتگی‌های فرهنگی است.

بنابراین، دولت زمینه‌ساز نیز باید همان اقدام اصلاحی اساسی امام را در پیش گیرد، یعنی بصیرت‌دهی و روشن‌گری به همراه معرفت‌بخشی درباره امام علیه السلام را در رأس برنامه‌های فرهنگی

خود قرار دهد و برای عملیاتی کردن این دو برنامه اساسی و کلان، راه کارهای مؤثری را در پیش گیرد که شماری از آن در این نوشتار یاد شد. بدیهی است در صورت اجرای صحیح این راه بردها و راه کارها تک تک افراد جامعه در برابر انواع ترندها و هجمه های دشمنان آسیب ناپذیر خواهند شد.

منابع

۱. ابن طاووس، علی بن موسی، الملاحم و الفتن، انتشارات مؤسسه صاحب الامر، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
۲. ابن ماجه، محمد بن یزید، السنن، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، بی تا.
۳. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة فی المعرفة الائمة، تبریز، انتشارات بنی هاشمی، ۱۳۸۱ش.
۴. القمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، تصحیح: سیدطیب موسوی جزائری، ۱۳۸۷ش.
۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶ش.
۶. حکیمی، محمد، عصر زندگی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ ششم، ۱۳۷۴ش.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن، اثبات الهداة، قم، مطبعة العلمية، بی تا.
۸. _____، وسائل الشیعه، قم، انتشارات مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۴ق.
۹. خامنه ای، سیدعلی، فرهنگ و تهاجم فرهنگی، تهران، انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۳ش.
۱۰. صدوق، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی تا.
۱۱. _____، من لا یحضره الفقیه، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق.
۱۲. طوسی، محمد بن حسن، الغیبة، قم، انتشارات مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ق.
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری، قم، انتشارات مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۷ق.
۱۴. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، تهران، چاپخانه علمیه، بی تا.
۱۵. کارگر، رحیم، آینده جهان، قم، انتشارات بنیاد فرهنگی مهدی موعود علیه السلام، چاپ اول، ۱۳۸۳ش.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ش.
۱۷. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفا، ۱۴۰۳ق.
۱۸. مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، بیروت، انتشارات دارالفکر، ۱۴۱۴ق.

۱۹. مصباح یزدی، محمدتقی، تهاجم فرهنگی، قم، انتشارات مؤسسه امام خمینی، چاپ هفتم، ۱۳۸۱ش.

۲۰. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد، بیروت، انتشارات دارالمفید، ۱۴۱۴ق.

۲۱. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبة، قم، انتشارات انوارالهدی، ۱۴۲۲ق.